

وقتی «پتی» به دانشکده می‌رفت

اثر: جین وبستر

ترجمه: سوسن اردکانی (شاهین)

سرشناسه :	ویستر، جین، ۱۹۱۶-۱۸۷۶م.
عنوان و نام پدیدآور :	Webster, Jean وقتی پتی به دانشکده می‌رفت/ اثر جین ویستر : ترجمه سوسن اردکانی.
مشخصات نشر :	تهران : مهتاب، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری :	۲۲۶ ص.
وضعیت فهرست نویسی :	فیبیا
یادداشت :	عنوان اصلی : college When Patty went to.
یادداشت :	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است.
موضوع :	داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰م.
شناسه افزوده :	اردکانی، سوسن (شاهین)، ۱۳۳۳ - مترجم
رده بندی کنگره :	۱۳۸۹ ۷۰۵/ب/ ۳۵۱۱PS
رده بندی دیویی :	۸۱۳/۵۲
شماره کتابشناسی :	۹۸۵۵۲۲۲

وقتی پتی به دانشکده می‌رفت

نویسنده : جین ویستر

مترجم: سوسن اردکانی

ناشر: مهتاب - ابر سفید

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۹۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۱۶۲-۵۰-۹

مرکز پخش: پخش گلستان، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان وحید نظری، پلاک ۸۵

تلفن: ۶۶۴۹۱۷۴۷-۶۶۴۹۰۶۱۶-۶۶۴۹۰۶۱۶ فاکس: ۶۶۴۸۷۲۱۹

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

پیشگفتار مترجم

جین وبستر^۱ (نام اصلی اش «الیس جین چندلیر وبستر»^۲) نویسنده مشهور آمریکایی در ۲۴ ژوئیه سال ۱۸۷۶ میلادی در «فردونیا»^۳ «نیویورک»^۴ دیده به جهان گشود و در ۱۱ ژوئن سال ۱۹۱۶ در آستانه ۴۱ سالگی چشم بر دنیا فرو بست.

وی دوره کودکی اش را در کنار مادر بزرگش، مادر بزرگش و مادرش (همگی با هم در زیر یک سقف زندگی می کردند) در خانه ای گذراند که زنان در آن از ارج و عزت بسیار برخوردار بودند و همگی پرجنب و جوش و پرتکاپو در صحنه زندگی اجتماعی نقش فعالی داشتند. مادر مادر بزرگش برای تصویب قانون منع مصرف مشروبات الکلی فعالیت می کرد و موضوع مورد علاقه مادر بزرگش برابری نژادی و حق رأی زنان بود. مادرش «آنی مافت وبستر»^۵ خواهرزاده «مارک تواین» نویسنده مشهور موفق آمریکایی و پدرش چارلز لوثر وبستر^۶ مدیر و کارگزار امور «مارک تواین» بعدها ناشر بسیاری از آثار او از طریق مؤسسه انتشاراتی خود که در سال ۱۸۸۴ به نام انتشارات «چارلز - ل. وبستر» تأسیس کرده بود.

1. Jean webster

2. Alice Jane chandler webster

3. Fredonia

4. New York

5. Mark Twain ()

6. Charles luther Webster

در سال‌های کودکی جین وبستر کسب و کار پدرش رونق خوبی داشت و او پنج ساله بود که خانواده‌اش به خانه بزرگی در شهر «نیویورک» نقل مکان کردند و یک ویلای تابستانی هم در «لانگ ایسلند»^۱ خریدند. اما چندی بعد در پی بروز مشکلاتی در کار، میانه پدرش با «مارک تواین» شکر آب شد و روز به روز روابطشان تیره تر گشت. در سال ۱۸۸۸ پدرش سلامت روحی و جسمی خود را از دست داد و کار را چندی کنار گذاشت و همراه خانواده‌اش به «فردونیا» برگشت و عاقبت در سال ۱۸۹۱ خودکشی کرد.

جین وبستر به مدرسه «نرمال فردونیا»^۲ رفت و در سال ۱۸۹۴ در رشته نقاشی چینی فارغ التحصیل شد. همان سال به مدرسه شبانه‌روزی «لیدی جین گری»^۳ در «بینگامتون» وارد شد. در مدت تحصیل جین در آن جا این مدرسه علاوه بر دروس دانشگاهی موسیقی، هنر، نامه‌نگاری، فن بیان و آداب معاشرت را به دختر جوان آموزش می‌داد. بسیاری از جزئیات مدرسه رمان تنها پتی^۴ (۱۹۱۱) از مدرسه «لیدی جین گری» الهام گرفته، از جمله: نمای مدرسه، اسامی اتاق‌ها (اتاق نشیمن آسمان کوچک بهشت)، روبروش دختران و برنامه روزانه دختران و معلمان.

از هنگام تحصیل در همان مدرسه بود که جین که تا آن زمان «آلیس» نامیده شد، اسم جین را روی خود گذاشت. زیرا دختری به نام «آلیس» هم اتاقش بود و مدرسه از جین خواست که در صورت امکان از اسم دیگری استفاده کند و او هم اسم جین^۵ را که صورت دیگری از اسم وسطش «جین»^۶ کرد.

جین وبستر در ژوئن ۱۸۹۶ بعد از اتمام مدرسه «لیدی جین گری» برای مدت یک سال به بخش کالج مدرسه «نرمال فردونیا» برگشت.

1. Long Island

2. Fredonia Normal

3. Lady Jane Grey school

4. Just Patty

5. Jean

6. Jane

جین در سال ۱۸۹۷ به عنوان عضو کلاس ۱۹۰۱ به دانشکده دخترانه «واسار»^۱ رفت. رشته اصلی اش زبان انگلیسی و اقتصاد بود. اما درس مددکاری اجتماعی و اصلاح کیفری را هم گرفت و از همان جا بود که ضمن بازدید از مؤسسات نگهداری کودکان بزهکار و فقیر به حل و فصل مسائل اجتماعی و بهبود وضع کودکان و نوجوانان معلول و محروم علاقه پیدا کرد و این علاقه انسانی را تا آخرین روز زندگی خود حفظ کرد و پیوسته در این زمینه فعال بود. او عضو انجمن مددکاری دانشکده شد که به اهالی محله های فقیرتر «نیویورک» خدمت می کرد. حساسیت جین نسبت به مسائلی که در اطراف خود می دید، سرانجام او را به سوی نویسندگی هدایت کرد و او که همیشه از نثر ساده و دلنشین نویسنده محبوبش «مارک تواین» لذت می برد، خودش هم وقتی قلم به دست گرفت، همین شیوه نگارش را برگزید تا پیام های خود را به ساده ترین زبان به مخاطبان برساند.

جین برای «جنگ (گلچین ادبی) واسار» قصه می نوشت و به عنوان کار عملی درس زبان انگلیسی خود در سال دوم دانشکده، قصه های خود و خبرهای «واسار» را در یک ستون هفتگی در نشریه «پاگ کیپسی ساندی کوریر»^۲ به چاپ می رساند. در «وبستر» آمده که «جین» با وجود چیره دستی اش در ادبیات انگلیسی املائی عجیب و غریبی داشت و یک بار که استادی از غلط های املائی او وحشت کرده بود، از او پرسید که مرجعش برای املائی این کلمه ها به این صورت غلط چیست و او پاسخ داد: «وبستر» (بازی با اسم دیکشنری معتبری بهمنام خودش)

جین وبستر در دوره تحصیل در دانشکده با «آدلاید کرپسی»^۳ (بعد شاعر)

1. Vassar Female college

2. Pough keepsie sunday Courier

3. Adeleide crapsey

دوستی صمیمانه‌ای پیدا کرد و این دوستی تا پایان عمر «آدلاید» که در اکتبر ۱۹۱۴ بر اثر بیماری سل درگذشت، ادامه یافت. جین با «آدلاید» در زمینه‌های نویسندگی تئاتر و حتی امور سیاسی کارهای مشترک فروانی انجام داد یا وجود این که در آن زمان زنان در آمریکا حق رأی نداشتند، جین و «آدلاید» در هنگام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۰۰ آمریکا در طرفداری از «اوینگن-وودبس»^۱ نامزد سوسیالیست فعالیت زیادی کردند.

جین در سال سوم دانشکده با دو تن از همکلاس‌های خود در سفری به اروپا مدتی را در فرانسه و انگلستان گذراند. اما مقصد اصلی اش ایتالیا و دیدار از «رم»^۲، «ناپل»^۳، «وین»^۴ و «فلورانس»^۵ بود. در این سفر با دو دختر آمریکایی به نام‌های «اتلین مک‌کینی»^۶ و «لناوینستین»^۷ آشنا و دوست شد که این دوست صمیمانه را تا پایان عمر حفظ کرد.

جین در ایتالیا برای پایان‌نامهٔ لیسانس خود که عنوانش «فقر در ایتالیا» بود، پژوهش‌هایی انجام داد و بعداً گزارش سفرش را در نشریهٔ «ساندی کوریور» به چاپ رساند. داستان کوتاه «ویلاجیانینی»^۸ هم ثمرهٔ همین سفرش بود که در «جنگ» و «اسار» چاپ شد (۱۹۰۱). در سال آخر تحصیل خود در «واسار» سردبیر کتاب سال کلاس خود شد و سرانجام در ژوئن ۱۹۰۱ تحصیل دانشگاهی اش به پایان رسید.

جین وبستر در بازگشت به «فردونیا» با استفاده از تجربه‌های خود در دانشکدهٔ «واسار»، کتاب وقتی پتی به دانشکده می‌رفت را نوشت که نگاه شاد و طنزآمیز به زندگی دختران دانشجوی زمانه خودش است. در ابتدا در پیدا کردن ناشری برای

1. Eugene V. Debs

2. Rome

3. Naples

4. Venice

5. Floren

6. Ethelyn McKinney

7. Lenaweinstein

8. Villa Gianini

چاپ کتابش با مشکلاتی روبه‌رو شد. اما سرانجام کتابش در ماه مارس سال ۱۹۰۳ انتشار یافت و مورد توجه قرار گرفت و نقدهای مثبتی درباره آن نوشته شد. سپس جین مشغول نوشتن قصه‌های کوتاهی شد که سرانجام کتاب هیاهوی بسیار درباره پتر^۱ (۱۹۰۹) را به شکل یک رمان تشکیل دادند.

جین وبستر در زمستان ۴-۱۹۰۳ همراه مادرش به ایتالیا سفر کرد و شش هفته را در صومعه‌ای در «پلزن»^۲ گذراند و همان‌جا بود که با شاخ و برگ دادن به قصه ویلای چیانینی کتاب ویت پرنسس^۳ (۱۹۰۵) را آماده کرد.

جین وبستر در سال‌های بعد باز هم به ایتالیا سفر کرد و یک بار همراه دو دوستش «اتلین» و «لنا» و دو نفر دیگر به سفری هشت ماهه به دور دنیا رفت و مصر و هند و برمه و سری لانکا و اندونزی و هنگ کنگ و چین و ژاپن را دید. در این سال‌ها کتاب‌های جری جوان^۴ (۱۹۰۷) و راز چهار استخر (۱۹۰۸) هم از او انتشار یافت.

در این میان بین جین و برادر «اتلین» به نام «گلن فورد مک کینی»^۴ دوستی و صمیمیتی پدید آمد که روز به روز عمیق‌تر شد و این دو محرمانه تصمیم گرفتند که روزی با هم ازدواج کنند. «گلن فورد مک کینی» که پیوسته می‌کوشید مطابق میل و انتظارات پدر موفق و ثروتمند خود زندگی کند، در رشته حقوق تحصیل کرده بود. اما در زندگی خصوصی خود شکلی داشت که به صورت یک موضوع فرعی در کتاب دشمن عزیز^۵ (۱۹۱۵) هم منعکس شده و آن ازدواج ناموفق و رنج‌آورش با «آنت ری ناد»^۶ بود که تعادل روانی نداشت و اغلب به خاطر بیماری دو قطبی (روان‌شیدایی - روان‌افسردگی) در بیمارستان روانی بستری می‌شد. «گلن فورد» و «آنت» فرزندی به نام «چار» داشتند که در او هم نشانه‌هایی از عدم تعادل روانی مشاهده می‌شد.

1. Much Ado about peter.

2. Palestrina

3. Wheat Princess

4. Glenn ford MC kinney

5. Dear Enemy

6. Annette Reynaud

واکنش «گلن فورد» در مقابل استرس‌ها و فشارهای روحی زندگی زناشویی‌اش اغلب به شکل گریز از خانه و رفتن به شکار و یا سفر با قایق تفریحی و یا مشکلات دیگر عصبی بروز می‌یافت که در نتیجه، این آخری پای او را هم به آسایشگاه باز کرد. او در سال ۱۹۰۹ زندگی‌اش را از «آنت» جدا کرد. اما در آن روزگار طلاق امری غیر عادی و نامتعارف در جامعه به شمار می‌رفت و مراحل قانونی آن دشوار و طولانی بود. به همین دلیل جریان طلاق «گلن» و «آنت» تا سال ۱۹۱۵ طول کشید. «گلن فورد» بعد از جدا کردن زندگی‌اش از «آنت» (۱۹۰۹) به مبارزه با گرایش خود به سوی الکلی ادامه داد. اما زمانی بر اعتیاد خود کاملاً غلبه کرد که همراه خواهرش «اتلین» و دوستانش «لنا» و «جین» به ایرلند سفر کرد. (۱۹۱۲)

در تمام این سال‌ها جین وبستر همچنان به همه کارهای اجتماعی و فرهنگی خود ادامه می‌داد و عضو انجمن‌های خیریه ایالتی بود و به بازدید از یتیم‌خانه‌ها می‌رفت و برای کودکان وابسته اعانه جمع می‌کرد و به خصوص علاقه داشت سروسامان درستی به امور واگذاری کودکان بی‌سرپرست به خانواده‌ها دهد. او این علاقه‌های انسانی و ارزشمند را در آثار خود هم منعکس می‌کرد. قلم موشکافش به مسائل واقعی انسان‌ها می‌پرداخت؛ مسائلی که می‌توانند به روح انسان لطمه بزنند و او را از آرامش و سعادت بی‌نصیب سازند. جین وبستر برای بشریت احترامی والا قائل بود. تعالی اندیشه‌ها و احساسات بشر و سلامت نفس ارزش برگزیده او بود. بچه‌ها را دوست داشت و دلش برای آینده بچه‌هایی که هرگز دست نوازش بر سر خود حس نکرده‌اند، با نگرانی می‌تپید.

جین تمام اندیشه‌ها، ترس‌ها و امیدهای خود را در نوشته‌هایش آشکار می‌ساخت. قهرمانان قصه‌های وی از بین اطرافیان‌ش انتخاب می‌شدند. او تردیدهای خود نسبت به معیارهای سطحی جامعه را از زبان آنان بیان می‌کرد، با

بیم‌ها و امیدهایشان می‌زیست و در سرگشتگی فکری‌شان همراه بود.

تا آن زمان وقتی پتی به دانشکده می‌رفت، ویت پرنسس، جری جوان، راز چهار استخر، هیاهوی بسیار دربارهٔ پیترو تنها پتی به قلم او منتشر و هر یک چند بار تجدید چاپ شده بود. اما او هنوز کتابی را که قلباً خواهانش بود، ننوشته بود و گویی سال‌ها تجربه در کار نویسندگی و سیر و سیاحت در سرزمین‌های این سو و آن سوی دنیا تنها می‌توانست زمینه‌ای مساعد باشد تا او برای آفرینش شاهکاری ماندنی دست به قلم ببرد و شاه بیت کلام خود را بسراید.

و بدینسان بود که جین وبستر در کتاب فراموش نشدنی بابالنگ‌دراز^۱ (۱۹۱۲) حسرت‌ها و آرزوهای بی‌پیرایه یک دختر یتیم را با بیان شیوای خود چنان زنده مجسم ساخت که غوغایی در بین اندیشمندان به راه انداخت و همهٔ دل‌هایی را که به خاطر انسان‌هایی تهید، به لرزه افکند.

جین رمان بابالنگ‌دراز را در یک خانه روستایی در «تایرینگام»^۲ «ماساچوست»^۳ نوشت. این رمان بسیار مشهور و پرفروش که ابتدا به صورت داستان پی در پی از مجلهٔ «لیدی‌ز هوم ژورنال»^۴ به چاپ رسید، سرگذشت دختری به نام «جروشا آبت»^۵ است. یتیمی در یک یتیم‌خانه که یک مرد خیرخواه ناشناس هزینهٔ تحصیل او را در یک دانشکده دخترانه به گردن می‌گیرد. این رمان به صورت نامه‌هایی است که «جودی»^۶ که حالا زندگی تازه‌ای را شروع کرده، از دانشکده برای حامی خیرخواه می‌نویسد بابالنگ‌دراز از همان آغاز انتشار مورد استقبال و تحسین عموم مخاطبان و منتقدان قرار گرفت.

جین وبستر در سال ۱۹۱۳ نمایشنامه بابالنگ‌دراز را هم آماده کرد و در سال ۱۹۱۴ چند ماه را برای اجرای آن در شهرهای مختلف گذراند و نقش «جودی

1. Daddy Loge legs

2. Tyingham

3. Massachussetts

4. Ladies Home Journal

5. Jerusha Abbott

6. Judy

آبوت^۱ را هم به بازیگر جوانی به نام «روت چاترتون»^۱ سپرد. این نمایشنامه در «آتلانتیک سیتی»^۲، «واشنگتن»^۳، «سیراکوز»^۴، «روچستر»^۵، «ایندیانا پلیس»^۶ و «شیکاگو» به طور آزمایشی روی صحنه رفت و عاقبت در تئاتر مجلل «برادوی»^۷ در سپتامبر ۱۹۱۴ افتتاح شد و به مدت هشت ماه تا ماه مه سال ۱۹۱۵ روی صحنه بود و بعد در سراسر آمریکا در شهرهای متعدد به نمایش درآمد.

این کتاب و این نمایش کانون تلاش‌هایی برای اصلاح اجتماعی و نیکوکاری در جامعه شد و عروسک‌های «بابالنگ‌دراز» به منظور جمع‌آوری پول و تأمین بودجه برای واگذاری کودکان یتیم به خانواده‌ها فروخته شد. کتاب بابالنگ‌دراز به چند زبان ترجمه شد و در همه جا مورد استقبال قرار گرفت و شهرت و محبوبیتی جهانی برای نویسنده پراحساس خود به ارمغان آورد.

اما آن‌چه در قلب جین می‌جوشید و اندیشه او را به خود مشغول می‌داشت، هرگز اجازه نمی‌داد که او کار نویسندگی خود را تمام شده بینگارد. از این‌رو پس از انتشار بابالنگ‌دراز شاهکار دیگرش دشمن عزیز را نوشت که در عین استقلال داستان به نوعی دنبال منطقی بابالنگ‌دراز و مثل همان رمان به شکل نامه‌نگاری است و به ماجراهای دوست دوره دانشکده «جودی آبوت» می‌پردازد که حالا سرپرستی یتیمخانه‌ای را بر عهده گرفته که «جودی» در آن بزرگ شده. دشمن عزیز هم مثل بابالنگ‌دراز با استقبال گرم و تمجید منتقدان روبه‌رو شد و جزو پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار گرفت. جین وبستر در این رمان شیرین که با همان طنز لطیف و همیشگی او طراوت و شادابی به روح خواننده می‌بخشد، مسائلی را مطرح می‌کند که در آن زمان، موضوع داغ روز بود، از جمله مسأله

1. Ruth chatterton

2. Atlantic city

3. Washington

4. Syracuse

5. Rochester

6. Indianana Polis

7. Broadway

توجه به خصوصیات وراثتی در هنگام ازدواج و انتخاب همسر تا از تولد فرزندان معلول ذهنی جلوگیری شود؛ به خصوص که در آن زمان کتاب «ریچارد ل. داگ یل»^۱ درباره خانواده «یوکی»^۲ (۱۸۷۷) و مطالعات «هنری گودارد»^۳ بر روی خانواده «کالیکاک»^۴ (۱۹۱۲) خواننده فراوان داشت و جین در دشمن عزیز خلاصه‌ای از این کتاب‌ها با دید مثبتی اشاره می‌کند.

انتشار کتاب دشمن عزیز تقریباً همزمان با ازدواج جین وبستر و گلن فورد مک کینی بود. طلاق «گلن فورد» و «آنت» عاقبت در ژوئن ۱۹۱۵ به طور رسمی انجام پذیرفت و بعد جین و «گلن فورد» طی مراسم ساده و بی سروصدایی در سپتامبر ۱۹۱۵ در «کانکتیکات»^۵ «واشنگتن» باهم ازدواج کردند و ماه عسل را در اردوگاه «مک کینی» نزدیک شهر «کبک»^۶ در کانادا گذراندند. جالب آن که «تئودور روزولت»^۷ (رئیس جمهور پیشین آمریکا از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۹) به دیدارشان رفت. او که خودش، خودش را دعوت کرده بود، گفت: «من همیشه آرزو داشتم جین وبستر را از نزدیک ببینم. ما می‌توانیم یک پارتیشن در کلبه قرار دهیم».

عروس و داماد پس از بازگشت از آمریکا دو اقامتگاه داشتند. یکی آپارتمان جین مشرف بر پارک مرکزی «نیویورک» و دومی مزرعه «تایمور»^۸ مک کین. در «داچس کانتی»^۹ «نیویورک». چندی بعد جین وبستر حامله شد. اما بر مبنای سوابق خانوادگی‌اش به او هشدار دادند که ممکن است حاملگی برایش خطرناک باشد جین تا مدتی گرفتار تهوع شدید صبحگاهی بود. اما از فوریه

1. Richard L. Dugdale

2. Juke

3. Henry Goddard

4. Kalikak

5. Connecticut

6. Quebec city

7. Theodore Roosevelt (1858-1919)

8. Tymer

9. Dutchess county

۱۹۱۶ حالش قدری بهتر شد و توانست بسیاری از فعالیت‌های خود را از جمله: شرکت در مهمانی‌ها و دیدار از زندانیان و شرکت در جلساتی برای اصلاح وضع یتیمان و یاراه‌پیمایی‌هایی برای حمایت از حق رأی زنان از سر گیرد. او همچنین نوشتن یک کتاب و یک نمایشنامه را آغاز کرد. دوستانش گفته‌اند که هرگز او را تا آن حد شاد و سر حال ندیده بودند.

چین وبستر بعد از ظهر روز دهم ژوئن ۱۹۱۶ برای به دنیا آوردن فرزندش به بیمارستان رفت. شوهرش را هم که برای شرکت در بیست و پنجمین گردهمایی فارغ‌التحصیلان دانشگاه «پرینستون»^۱ رفته بود، خبر کردند و او خود را نوزده دقیقه قبل از تولد دخترش در ساعت ده و نیم شب به بیمارستان رساند. ابتدا همه چیز خوب بود. اما بعد حال چین بد شد و بر اثر تب زایمان در ساعت هفت و نیم صبح روز یازدهم ژوئن ۱۹۱۶ درگذشت. و به این ترتیب، این مادر دلسوز و مهربان هرگز نتوانست آن همه محبتی را که در دلش برای همه کودکان می‌جوشید، نثار تنها فرزند خود کند. اسم دخترش را هم «جین» گذاشتند (جین کوچولو)^۲.

وقتی پتی به دانشکده می‌رفت دو سال پس از فارغ‌التحصیلی جین وبستر از دانشکده انشمار یافت و جین وبستر شیرین‌ترین و فراموش‌نشدنی‌ترین خاطرات دوره تحصیل خود را در این کتاب با طنزی دلپذیر نگاشته است. این کتاب پس از انتشار با چنان موفقیتی روبه‌رو شد که در همان سال اول ۷ بار و تا سه سال بعد روی هم چهارده بار تجدید چاپ شد.

«پتی» قهرمان اصلی کتاب یک شخصیت واقعی است. او دوست صمیمی جین در دانشکده بود، دختری که عواطف جین را به خوبی درک می‌کرد و برای ایده‌آل‌های او ارزش فراوانی قائل بود.

چهره‌ای که از او در کتاب ترسیم می‌شود، چهره یک دختر بیست ساله است، با همان روح پر غوغا، مخاطره‌جو و سرشار از شیطنت‌های جوانی. «پتی» در سن و سالی است که می‌خواهد دنیا را مستقیماً و با تجربه شخصی بشناسد. او بر طبق معیارها و اصول فردی خود زندگی می‌کند و به علت بی‌تجربگی خاص جوانی اغلب بی‌آن که بخواهد، به احساسات دیگران لطمه می‌زند. «پتی» اصول و قوانینی را که همه رعایت می‌کنند، زیر پا می‌گذارد و این امر را وجه امتیاز شخصیت خود به شمار می‌آورد. در حالی که توجه ندارد سایرین هم می‌توانند این کار را کنند. منتها اگر این کار را کنند، دیگر قانونی نمی‌ماند که حقوق افراد را تضمین می‌کند.

با این حال هر یک از شیطنت‌های «پتی» برای او تجربه‌ای به همراه می‌آورد و «پتی» آن قدر زیرک هست که در مقابل هر تجربه به فکر بیفتد. حساسیت او کمکش می‌کند تا از تجربیات خود درس زندگی بیاموزد. خود زندگی به او می‌آموزد که انسان‌ها را جدی بگیرد و رعایت عواطف و احساساتشان را کند.

به تدریج «پتی» در گذر از تجربه‌های شیرین جوانی به نقطه‌هایی از رشد فکری می‌رسد که در پی‌ریزی یک شخصیت قابل احترام کمکش می‌کند. جین وبستر با نوشتن سرگذشت «پتی» با بیان طنزآمیز شیرین خود مراحل رشد فکری و روحی یک دختر جوان را در مقابل چشمان خواننده تصویر می‌کند. از این رو «پتی» می‌تواند دوست یکدلی برای هر یک از ما باشد. حتی در زمانی که بیست سالگی را پشت سر نهاده باشیم. همان طور که همیشه برای جین وبستر یک دوست عزیز و صمیمی بود، به طوری که نام «پتی» در تعدادی از کتاب‌های جین وبستر جاودانه شد و بعدها هم باز «پتی» بود که در شاهکار جین وبستر بابالنگ‌دراز در نقش «سالی مک براید» ظاهر شد. «سالی مک براید» همان

دوست مهربان «جودی آبت» یتیم بود که هیچ‌گاه یتیم بدون این دختر را مایه حقارت او نمی‌شمرد و با او چون یک انسان شایسته دوستی صمیمی بود و احترامی را که در خور مقام انسانی او بود، نثارش می‌کرد.

و باز همین «پتی» است که در اثر زیبا و فراموش‌نشدنی جین وبستر دشمن عزیز در قالب «سالی مک براید» به طور دقیق همان نقشی را ایفا می‌کند که همیشه آرزوی قلبی و ایده‌آل زندگی جین وبستر بوده است: سرپرست دلسوز یک یتیم‌خانه که نور و محبت و شادی را برای یتیمان غم‌زده و افسرده‌دل به ارمغان می‌آورد.

آیا هر «پتی» شوخ و شنگ و سبکسر می‌تواند یک «سالی مک براید» اندیشمند و دلسوز و مهربان و متعهد گردد؟

این سؤال در تمام کتاب‌های خانم جین وبستر پاسخی امیدبخش دارد، پاسخی مثبت که مایه شادی همه دل‌هایی می‌شود که به خاطر انسان‌های دیگر می‌تیند و به سلامت و سعادت بشر می‌اندیشند.

آثار جین وبستر به ترتیب تاریخ نخستین چاپ آن‌ها عبارتند از:

- وقتی پتی به دانشکده می‌رفت (۱۹۰۳)

- ویت پرنسس (۱۹۰۵)

- جری جوان (۱۹۰۷)

- راز چهار استخر (۱۹۰۸)

- هیاهوی بسیار دربارهٔ پیت (۱۹۰۹)

- تنها پتی (۱۹۱۱)

- دشمن عزیز (۱۹۱۵)